

مباحثه ای که پیش روی خود دارید، کریشنامورتی و دیوید بوهم در مورد مسائل مختلف با یکدیگر بحث و گفتگو میکنند. نکته بسیار اصیل و زیبای این مباحثه، عدم وجود جایگاه معینی بعنوان گوینده و سوال کننده میباشد. هردو تلاش میکنند در کندوکاو موضوع سهیم بوده و جواب را در ارزیابی موشکافانه ای بدست آورند.

طبعاً اشاره من بدین نکته نیست که میباید بدنبال چنین تمایلی بود که از این شیوه مباحثه، متد و یا روش معینی را بیرون کشید. اما خلوص نیت و اشتیاق قلبی در بدست آوردن پاسخی بنیادین از یک موضوع میتواند همواره در عین تنوع اشکال بروز خود، حالت ویژه ای از مباحثه مشترک را نمایان سازد.

بدین جهت، در این مباحثه، هیچکدام را در جایگاه دفاع از یک ایده و یا نظریه نمی بینیم. آنها آنچه را که همین لحظه در ذهنشان طرح میگردد مطرح میکنند که ناشی از عملکرد خاطره یک بررسی و یا مبحث سابقه در ذهن نیست.

به گونه ای دیگر اگر بیان گردد، تداعی این نکته است که گرسنگی شکل گرفته در جان آدمی و آنهم در لحظه کنونی، تنها میتواند پاسخ خود را در همین لحظه بیابد و نه با خاطره سیر شدنی که فردی دیگر بر گرسنگی خودش بدست آورده و طرف روبروی تو نیز نمیتواند با استدلال خودش شکم تورا سیر کند. البته اگر قطعاً اینطور باشد که جان تو گرسنه واقعی بوده باشد.

نکته دیگر در شرکت و یا خواندن این مبحث این است که میباید درجان خودمان این سوال مطرح بوده باشد که آیا ما واقعاً جهان را نیازمند یک تحول و تغییر می بینیم؟ و اگر این سوال ما را در بطن خود جذب نماید و تمامی عرصه ها و جنبه های متنوع خودش را بما بنمایاند، آنگاه میتوان چگونگی رابطه هر حرکت و رفتار و یا هر ابزاری را در این پروسه در نظر گرفت و متوجه شد که اینها چقدر می توانند در کل این روند تاثیر گذار باشند.

ضمناً میباید میدان تصور و تجسم خود را بگونه ای گسترده و عمیق در این مبحث قرار داد که تداعی مطلق یک مراقبه عمیق، یک عبادت خالصانه و مدیتیشن کامل باشد. در لحظه حضور در این مبحث، تمامی جهان پیرامون ما، حضور خود و مفاهیم خود را میبایست برایمان – بعنوان امری شخصی – از دست بدهند. میبایست، نه تنها در زمان – بمفهوم گذشته خود – بلکه از مکان و حالت بروز خود از آنچنان توانایی تجسم و تمرکز بهره گرفت که قادر بود کلیت حیات و بشر و رابطه متقابل آنها با هم و نظم و یا بی نظمی در مناسبات آنان را متوجه شد. با همه اینها امید خودم این است که توانایی بسیار محقرانه من به ادبیات فارسی، و یا توانایی درک من از مبحث فوق، مورد اغماض دوستان بوده و خود با تجسم عمیق بتواند از لابلای این ملودی بسیار بد تنظیم شده، مضمون را دریابند.